

پژوهش‌های تجربی حسابداری

سال ششم، شماره ۲۲، زمستان ۱۳۹۵، صص ۶۹ - ۹۴

ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی:

شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران

محمود لاری دشت بیاض*، جواد اورادی**

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۳/۰۴

تاریخ پذیرش: ۹۵/۰۷/۱۷

چکیده

کمیته حسابرسی به‌عنوان یکی از سازوکارهای اصلی حاکمیت شرکتی، وظیفه بررسی برنامه اولیه حسابرسی و تعامل با حسابرسان مستقل در فرایند گزارشگری مالی را بر عهده دارد. از این رو، انتظار می‌رود بر دامنه حسابرسی و میزان تلاش حسابرس و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. هدف این پژوهش بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (شامل تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق الزحمه حسابرسی است. به همین منظور، داده‌های مربوط به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ استخراج شدند. آزمون فرضیه‌های پژوهش به کمک مدل رگرسیونی داده‌های ترکیبی انجام گرفت. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری با حق الزحمه حسابرسی دارند. ولی ارتباط معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نشد. همچنین، در ارتباط با متغیرهای کنترلی استفاده شده در این پژوهش، یافته‌ها نشان از ارتباط مثبت و معنادار بین اهرم مالی، نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی دارد.

واژه‌های کلیدی: حاکمیت شرکتی، کمیته حسابرسی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی.

طبقه بندی موضوعی: M4

کد Doi مقاله: 10.22051/jera.2016.9939.1283

* استادیار حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، (m.lari@um.ac.ir)

** دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده مسئول مقاله (ja_oradi@stu.um.ac.ir)

مقدمه

کمیته حسابرسی از زمان آغاز به کار خود در اوایل دهه ۱۹۴۰ میلادی نقش مهمی در اداره امور شرکت‌ها داشته و در دو دهه اخیر، در پی رسوایی شرکت‌های بزرگ (همچون، انرون، ورلدکام و تایکو) اهمیت آن در سایه اهمیت اصول حاکمیت شرکتی افزایش یافته است (ور شور، ۲۰۰۸). این کمیته، از طریق نظارت بر روند گزار شگری مالی شامل سیستم کنترل داخلی و استفاده از اصول پذیرفته شده حسابداری و نیز نظارت بر عملکرد حسابرسی مستقل و حسابرس داخلی، موجب می شود تا اشتباهات عمدی و سهوی در اندازه گیری‌های حسابداری و افشای موارد بااهمیت مالی و نیز کلاهبرداری و اعمال غیرقانونی مدیریت، کاهش یابد. بدارد و گندرون (۲۰۰۹) نیز معتقدند که کمیته حسابرسی کیفیت اطلاعات را به طور مستقیم از طریق نظارت بر گزار شگری مالی و به طور غیرمستقیم با اعمال مراقبت و توجه به کنترل‌های داخلی و حسابرس مستقل افزایش می دهد و در انتها، بهبود کیفیت اطلاعات و کنترل‌های قوی می تواند منجر به افزایش اعتماد و اطمینان سرمایه گذاران از کیفیت گزار شگری و کارایی بازارهای مالی گردد (رحیمیان و توکل نیا، ۱۳۹۰).

از وظایف مهم کمیته حسابرسی، می توان به بررسی برنامه اولیه حسابرسی و نتایج مربوط به آن (دزورت، ۱۹۹۷) و تعامل با حسابرسان مستقل در فرایند گزار شگری مالی (کلین، ۲۰۰۲) اشاره کرد. این کمیته در روند مذاکرات و تعیین دامنه حسابرسی دخالت دارد و می تواند بر برنامه و دامنه حسابرسی و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد (چان و همکاران، ۲۰۱۳).

کمیته حسابرسی در حوزه نظارتی خود می تواند اقداماتی انجام دهد، که منجر به نتایجی در رابطه با سطح بالاتر کیفیت حسابرسی از قبیل افزایش تغییرات تداوم فعالیت برای شرکت‌های بحران زده (کارسلو و نیل، ۲۰۰۰) و انتخاب حسابرسان متخصص صنعت (ابوت و پارکر، ۲۰۰۱) شود. از این رو، می توان استدلال کرد که کمیته حسابرسی برای افزایش کیفیت و سطح اطمینان بخشی حسابرسی خواهان انجام کار بیشتر توسط تیم حسابرسی است و در نتیجه با افزایش حجم عملیات حسابرسی، حق الزحمه حسابرسی افزایش پیدا می کند.

درمقابل نتایج برخی از پژوهش‌ها حاکی از آن است که قیمت‌گذاری حسابرسی تحت تأثیر اثربخشی کمیته حسابرسی است و با افزایش کیفیت کمیته حسابرسی، توابع کنترل و نظارت بیشتر و در نتیجه ریسک حسابرسی کمتر و به تبع آن تلاش حسابرس و حق‌الزحمه وی کاهش می‌یابد (کریشان و ویسواناتان، ۲۰۰۹؛ چان و همکاران، ۲۰۱۳).

بنابراین، مسئله اصلی تحقیق حاضر یافتن پاسخی علمی به این پرسش است که: "آیا ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی اثرگذار است یا خیر؟"

اگر چه پژوهش‌هایی در زمینه تأثیر عناصر حاکمیت شرکتی بر حق‌الزحمه حسابرسی در سایر کشورها، به‌ویژه پس از بحران مالی سال ۲۰۰۰ و تصویب قوانین مربوط به حاکمیت شرکتی و قانون SOX در سال ۲۰۰۲، انجام شده است (لارکر و ریچاردسون، ۲۰۰۴؛ گیول و گودوین، ۲۰۱۰؛ اکتینا و وداری، ۲۰۱۵)، اما مطالعه در زمینه ویژگی‌های کمیته حسابرسی به عنوان بخش مهمی از ساختار حاکمیت شرکتی و اثر آن بر حق‌الزحمه حسابرسی کمتر مورد بحث قرار گرفته است (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱). در ایران نیز به علت جدید بودن قوانین مربوط به الزام وجود کمیته حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار، تحقیق تجربی که به بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته باشد، انجام نگرفته است. بنابراین، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی (تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق‌الزحمه حسابرسی است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی، کمیته‌ای متشکل از اعضای هیئت‌مدیره است که در ایران به‌طور معمول از سه تا پنج نفر مدیر غیرموظف (یعنی نه مدیر اجرایی شرکت و نه در استخدام شرکت)، تشکیل شده است (رحیمیان و توکل‌نیا، ۱۳۹۰). نبود اعضای موظف در کمیته حسابرسی باعث می‌شود تا حسابرسان بتوانند مسائلی چون نقاط ضعف کنترل داخلی، اختلاف نظر با مدیریت درباره اصول و روش‌های حسابداری، نشانه‌های احتمالی از سوءاستفاده‌های مدیریت یا سایر

اعمال غیرقانونی مسئولان شرکت را با کمیته حسابرسی، صریح تر مطرح نمایند (سازمان حسابرسی، ۱۳۷۲).

مطابق با منشور کمیته حسابرسی، هدف از تشکیل کمیته حسابرسی، کمک به ایفای مسئولیت نظارتی هیئت مدیره و بهبود آن جهت کسب اطمینان معقول از موارد زیر می‌باشد: (۱) اثربخشی فرآیندهای نظام راهبری، مدیریت ریسک و کنترل‌های داخلی، (۲) سلامت گزارشگری مالی، (۳) اثربخشی حسابرسی داخلی، (۴) استقلال حسابرس مستقل و اثربخشی حسابرسی مستقل و (۵) رعایت قوانین، مقررات و الزامات (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۱).

از دیدگاه تئوری نمایندگی، تشکیل کمیته حسابرسی ابزاری برای کاهش هزینه‌های نمایندگی و بهبود کنترل‌های داخلی، و وسیله نظارتی اثربخش برای بهبود روابط نمایندگی است (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳). همچنین در شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی آنها عملکرد و اثربخشی بالاتری دارد، سطح و شدت مشکل نمایندگی کمتر است (دی، ۲۰۰۸).

وجود کمیته حسابرسی به ایجاد ارتباط مناسب بین هیئت مدیره، حسابرسان مستقل و حسابرسان داخلی کمک می‌کند (ویندرام و سونگ، ۲۰۰۴). این کمیته عملیات حسابرسی را انجام نمی‌دهد، بلکه با تأکید بر روی مسئولیت‌ها و منابع مورد نیاز حسابرسی، اجرای فرایند حسابرسی را تسهیل می‌بخشد (لایوینگستون، ۲۰۰۵).

اصول راهبری شرکتی تأکید می‌کند اعضای این کمیته در بهبود فرآیند گزارشگری مالی مشارکت نمایند. برای تحلیل گران، اعتبار گزارش کمیته حسابرسی تابعی از تخصص حرفه‌ای اعضا می‌باشد که در برگیرنده گستره و سیعی از مهارت‌ها، استانداردهای اخلاق حرفه‌ای و سطح دانش آنها از حسابداری و حسابرسی است (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳).

قوانین کمیته حسابرسی به عنوان یک ناظر عمل می‌کند که رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت را محدود کرده و تضمین می‌کند که منافع مدیریت و سهامداران هم تراز است (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴). در این بین قانون ساربنز آکسلی (SOX) نیز توجه کافی به کمیته‌های حسابرسی داشته و الزامات خاصی از قبیل، مستقل بودن اعضای کمیته از هیئت مدیره، نظارت مستقل بر انتخاب حسابرس مستقل، تعیین حق الزحمه و نظارت بر کار آنها، دخالت در مسائل

مشورتی، تأمین مالی کمیته حسابرسی به مقدار کافی برای انجام دادن مناسب وظایف محوله به آن‌ها، تعیین نموده است.

حق الزحمه حسابرسی

ساختار حق الزحمه‌های حسابرسی، موضوعی مناسب برای تحقیق در زمینه حسابرسی به شمار می‌رود. رسالت حسابرسی، اعتبار بخشی به گزارشگری مالی و اعتماد سازی برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی است و در مقابل، منافع اقتصادی حسابرس از طریق حق الزحمه تأمین می‌شود. مدل کلاسیک سایمونیک حق الزحمه‌ها را به متغیرهای توضیحی مرتبط با کار، از قبیل اندازه شرکت و تعداد بخش‌ها و متغیرهای توضیحی مرتبط با ریسک از قبیل اهرم و زیان‌های مالی ربط می‌دهد (کوندکار و همکاران، ۲۰۱۵). پیچیدگی شرکت یکی از عوامل افزایش در حق الزحمه حسابرسان است. زمانی که عملیات شرکت گسترده و پیچیده باشد، تقاضا برای نظارت بر فرایند گزارشگری مالی افزایش می‌یابد. شرکت‌های با عملیات پیچیده نیازمند خدمات حسابرسی زیادی هستند، در نتیجه حق الزحمه بیشتری نیز به این مؤسسات پرداخت می‌کنند (سجادی و همکاران، ۱۳۹۴).

کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی

ارتباط بین کمیته حسابرسی و حسابرس مستقل پیچیده است، و از درخواست خدمات حسابرسی توسط صاحبکار و از سوی دیگر فراهم کردن این خدمات توسط حسابرسان مستقل نشأت می‌گیرد (پائول و گرگوری، ۱۹۹۶). از جنبه درخواست خدمات، حضور کمیته حسابرسی ممکن است منجر به افزایش حق الزحمه حسابرسی شود، زیرا این کمیته باید از اینکه مدت زمان حسابرسی در سطحی باشد که کیفیت حسابرسی را به خطر نیندازد، اطمینان حاصل کند (کمیته کادبری، ۱۹۹۲). از نظر تأمین خدمات، ممکن است دخالت کمیته حسابرسی در تقویت کنترل‌های داخلی، حسابرسان مستقل را به کاهش سطح ارزیابی ریسک کنترل وادارد، که این امر خود منجر به کاهش ارزیابی‌های عمده توسط حسابرسان و پس از آن، حق الزحمه حسابرسی می‌شود (پائول و گرگوری، ۱۹۹۶).

حال این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد که چگونه ویژگی‌های کمیته حسابرسی با فعالیت حسابرسی در ارتباط است. آیا افزایش ویژگی‌های مثبت کمیته از قبیل تخصص،

استقلال و اندازه (کیفیت کمیته حسابرسی) منجر به درخواست کیفیت و تلاش بیشتر در حسابرسی می‌شود.

به عقیده ابوت و همکاران (۲۰۰۳)، کمیته حسابرسی می‌تواند از دو طریق بر حق الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. اولاً کمیته حسابرسی بر حق الزحمه از طریق انتخاب حسابرسان اثر می‌گذارد. برای مثال، اگر یک حسابرس با کیفیت انتخاب شود، حق الزحمه افزایش پیدا می‌کند. ثانیاً، کمیته حسابرسی از طریق تأثیر خود بر برنامه و دامنه حسابرسی، بر میزان تلاش حسابرس و در نتیجه حق الزحمه‌ها اثرگذار است.

از سوی دیگر، یک تصور عامیانه این است که هیئت‌مدیره‌های با سطح کیفی بالا، تمایل دارند از شهرت خود دفاع کنند و از بروز شکایت پرهیز نمایند (فاما و جنسن ۱۹۸۳؛ گیلسون، ۱۹۹۰). این ایده کلی را نیز می‌توان برای کمیته حسابرسی و اعضای آن در نظر گرفت. کمیته حسابرسی با کیفیت، احتمالاً برای حفظ جایگاه خود در شرکت، درخواست حسابرسی با کیفیت‌تری کند (کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲). چنین استدلالی نشان‌دهنده یک رابطه مستقیم بین کیفیت کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. همچنین یافته‌های پائول و گرگوری (۱۹۹۶) و استوارت و کنت (۲۰۰۶) نشان از تأثیر مثبت وجود کمیته حسابرسی بر حق الزحمه‌های حسابرسی دارد.

در مقابل، چان و همکاران (۲۰۱۳) بیان می‌کنند که کیفیت کمیته حسابرسی می‌تواند با حق الزحمه حسابرسی رابطه منفی داشته باشد. به بیان دیگر کیفیت بالای کمیته حسابرسی تلاش حسابرس را کاهش می‌دهد. یافته‌های کریشنان و ویسواناتان (۲۰۰۹) نیز گویای این مطلب است. آنها نشان دادند که کیفیت کمیته حسابرسی رابطه منفی با حق الزحمه حسابرسی دارد. به بیان دیگر کیفیت کمیته حسابرسی با کاهش ریسک کنترل و در نهایت ریسک حسابرسی ارتباط دارد و با افزایش کیفیت کمیته حسابرسی نیاز به خدمات حسابرس مستقل کاهش می‌یابد.

ویژگی‌های کمیته حسابرسی

مطالعات پیشین پیرامون اثربخشی کمیته حسابرسی، نشان می‌دهند که ترکیب و ویژگی‌های اعضای کمیته حسابرسی در موفقیت آن نقش اساسی دارد. به‌عنوان مثال، فراتحلیل انجام شده توسط لین و هوآنگک (۲۰۱۰) نشان می‌دهد که برخی از ویژگی‌های کمیته حسابرسی موجب افزایش اثربخشی آن می‌شود. این ویژگی‌ها که اغلب مطالعات تجربی نیز بر روی آن‌ها تمرکز داشته‌اند شامل، تخصص مالی، استقلال، تعداد جلسات و اندازه کمیته حسابرسی است. همچنین، این ویژگی‌ها به صورت جداگانه و یا همراه با دیگر ویژگی‌ها، با اثربخشی کمیته حسابرسی در بهبود حاکمیت شرکتی، به‌ویژه در رابطه با ارتقاء کیفیت گزارشگری مالی مرتبط هستند (مارتینف و همکاران، ۲۰۱۵). در ارتباط با این موضوع، فخاری و همکاران (۱۳۹۴)، به بررسی ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود از طریق اقلام واقعی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از ارتباط معناداری بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و مدیریت سود از طریق اقلام واقعی بود.

تخصص مالی کمیته حسابرسی

اعضای کمیته حسابرسی باید از دانش و تخصص حسابداری و مالی لازم و کافی برخوردار باشند. بدون دانش و تخصص حرفه‌ای، اعضا قادر به درک مناسب اطلاعات حسابداری و گزارش‌های مالی واحد اقتصادی نیستند. از این رو، نمی‌توانند به طور اثربخش عمل کنند. دیدگاه‌های نظری و عملی ارائه شده در بسیاری از پژوهش‌ها نشان می‌دهند که تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی سبب اثربخشی بیش‌تر آن می‌شود (دوالیوال، ۲۰۱۰). اعضای دارای تخصص مالی نقش‌های نظارتی خود در فرآیند گزارشگری مالی را از قبیل شناسایی تحریفات عمده، مؤثرتر انجام می‌دهند (دفوند و همکاران، ۲۰۰۵). کریشنان (۲۰۰۵) شواهدی مبنی بر اینکه کمیته‌های حسابرسی دارای تخصص مالی به احتمال کمتری درگیر مشکلات کنترل داخلی می‌شوند، ارائه کرد.

از طرفی ممکن است اعضای فاقد تخصص مالی در کمیته حسابرسی، توانایی لازم را برای حفظ کیفیت حسابرسی نداشته باشند (تورلی و زمان، ۲۰۰۴). بنابراین انتظار می‌رود کمیته‌های حسابرسی که حداقل یک عضو دارای تخصص مالی دارند، بیشتر از سایرین به کیفیت

حسابرسی توجه داشته باشند. ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ارتباط مثبت و معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی نشان دادند. یافته‌های کریشنان و ویسواناتان (۲۰۰۹) حاکی از رابطه منفی بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی است. در مقابل، زمان و همکاران (۲۰۱۱) ارتباط معناداری بین تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نکردند.

استقلال کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی برای این که بتواند اثربخش عمل کند، باید مستقل از واحد اقتصادی باشد. برای حفظ استقلال، اعضای کمیته حسابرسی باید از بین مدیران غیرموظف یا خارج از سازمان انتخاب شوند. مدیرانی که ارتباط آن‌ها با واحد اقتصادی به گونه‌ای نیست که به استقلال آن‌ها خدشه‌ای وارد شود. بیزلی و همکاران (۲۰۰۰) دریافتند که کمیته حسابرسی در شرکت‌هایی که گزار شگری متقلبانه دارند، از استقلال کمتری نسبت به دیگر شرکت‌ها برخوردار است. یافته‌های کارسلو و نیل (۲۰۰۰) نشان از آن دارد که احتمال صدور اظهارنظر عدم تداوم فعالیت برای شرکت‌هایی که دچار بحران مالی شده‌اند و کمیته‌های حسابرسی مستقلی دارند، کمتر است. ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ارتباط مثبتی بین استقلال اعضای کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی پیدا کردند. نتایج بیزلی و همکاران (۲۰۰۰)، کارسلو و نیل (۲۰۰۰) و ابوت و همکاران (۲۰۰۳) بر این نظریه استوار است که کمیته‌های حسابرسی مستقل هیچ وابستگی شخصی یا مالی با مدیریت اجرایی ندارند. بنابراین ممکن است یک کمیته حسابرسی مستقل در مورد برخی مسائل با مدیریت مخالفت کند (بی سینگر و باتلر، ۱۹۸۵). انتظار می‌رود مدیرانی که مستقل از عملیات اجرایی شرکت هستند، طالب حسابرسی با کیفیت بوده و بیشتر در پی کاهش تقلب و مدیریت سود باشند (بیزلی، ۱۹۹۶؛ پیزنل و همکاران، ۲۰۰۵). بنابراین زمانی که اعضای کمیته حسابرسی از مدیران مستقل تشکیل شده باشد، قادر خواهند بود نفوذ بیشتری بر مدیریت اجرایی برای درخواست دامنه حسابرسی بیشتر، در جهت اطمینان از کیفیت حسابرسی اعمال کنند. این امر خود موجب افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. نتایج پژوهش زمان و همکاران (۲۰۱۱) نیز این نظریه را تأیید می‌کند. یافته‌های آنها رابطه مثبتی بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی نشان داد. در مقابل، یافته‌های چان و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از ارتباط منفی بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بود.

اندازه کمیته حسابرسی

اثر بخشی کمیته حسابرسی تا حد زیادی به منابع در دسترس و تعداد اعضای تشکیل دهنده آن مربوط است (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴). اگر چه هیچ اندازه دقیقی برای کمیته حسابرسی در نظر گرفته نشده است، ولی بیشتر مطالعات قبلی و الزامات قانونی نشان می‌دهد که کمیته حسابرسی باید دارای سه تا پنج عضو، و ترجیحاً از اکثریت مدیران مستقل تشکیل شده باشد (ابوت و همکاران، ۲۰۰۴؛ برازنسون و همکاران، ۲۰۰۹). پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهند که احتمال افزایش نفوذ در سازمان و درخواست برای حسابرسی با کیفیت تر برای کمیته حسابرسی بزرگتر، بیشتر است (کالبرز و فوگارتی، ۱۹۹۳)، که این خود باعث افزایش حق الزحمه حسابرسی می‌شود. هر چه اندازه کمیته حسابرسی بزرگتر باشد، وظیفه نظارتی اعضای کمیته حسابرسی بهتر صورت می‌پذیرد و در ادامه عملکرد شرکت نیز بهبود می‌یابد (یانگ و کریشنان، ۲۰۰۵؛ دالتون و همکاران، ۱۹۹۹). نتایج پژوهش زمان و همکاران (۲۰۱۱) نشان از رابطه مثبت و معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی دارد. اما مخالف با یافته‌های آنها، چان و همکاران (۲۰۱۳) ارتباط معناداری بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده نکردند.

فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مطالب پیش گفته و به منظور رسیدن به پاسخ مسأله پژوهش، فرضیه‌هایی به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین استقلال کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

نوع روش

این پژوهش از نوع پس‌رویدادی (شبه تجربی) است، یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل اطلاعات گذشته و تاریخی شرکت‌ها انجام می‌گیرد. همچنین این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی و از لحاظ روش نیز از نوع تجزیه و تحلیل همبستگی-رگرسیونی است.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش گردآوری اطلاعات در طی دو مرحله انجام می‌پذیرد. در مرحله اول برای تدوین مبانی نظری پژوهش از روش کتابخانه‌ای و در مرحله دوم برای گردآوری داده‌های پژوهش از صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه، اطلاعیه‌های منتشر شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک جامع اطلاعاتی شرکت‌ها در سایت رسمی سازمان بورس و اوراق بهادار و نرم‌افزار ره‌آورد نوین استفاده شده است.

مدل پژوهش و اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل کلی زیر استفاده شده است:

مدل (۱)

$$\text{LNAFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACEXP}_{it} + \beta_2 \text{ACIND}_{it} + \beta_3 \text{ACSIZE}_{it} + \beta_4 \text{LNTA}_{it} + \beta_5 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_6 \text{RECINV}_{it} + \beta_7 \text{OPINION}_{it} + \beta_8 \text{SIZE_FA}_{it} + \beta_9 \text{BDIND}_{it} + \beta_{10} \text{BDMEET}_{it} + \varepsilon_{it}$$

به دلیل وجود همخطی بین متغیر اندازه کمیته حسابرسی با تخصص مالی و استقلال کمیته حسابرسی برای هر کدام از فرضیه‌های پژوهش از مدل‌های جداگانه استفاده شده است. برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل (۱-۱) که بر گرفته از مدل (۱) پژوهش است، استفاده می‌شود:

مدل (۱-۱)

$$\text{LNAFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACEXP}_{it} + \beta_2 \text{LNTA}_{it} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_4 \text{RECINV}_{it} + \beta_5 \text{OPINION}_{it} + \beta_6 \text{SIZE_FA}_{it} + \beta_7 \text{BDIND}_{it} + \beta_8 \text{BDMEET}_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل (۱-۲) که برگرفته از مدل (۱) است، استفاده می‌شود:

مدل (۲-۱)

$$\text{LNAFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACIND}_{it} + \beta_2 \text{LNTA}_{it} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_4 \text{RECINV}_{it} + \beta_5 \text{OPINION}_{it} + \beta_6 \text{SIZE_FA}_{it} + \beta_7 \text{BDIND}_{it} + \beta_8 \text{BDMEET}_{it} + \varepsilon_{it}$$

و در نهایت برای آزمون فرضیه سوم پژوهش از مدل (۱-۳) که برگرفته از مدل (۱) است، استفاده می‌شود:

مدل (۳-۱)

$$\text{LNAFEE}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{ACSIZE}_{it} + \beta_2 \text{LNTA}_{it} + \beta_3 \text{LEVERAGE}_{it} + \beta_4 \text{RECINV}_{it} + \beta_5 \text{OPINION}_{it} + \beta_6 \text{SIZE_FA}_{it} + \beta_7 \text{BDIND}_{it} + \beta_8 \text{BDMEET}_{it} + \varepsilon_{it}$$

اندازه‌گیری متغیرها

متغیر وابسته پژوهش

حق‌الزحمه حسابرسی (LNAFEE_{it}): برابر است با لگاریتم طبیعی حق‌الزحمه حسابرسی (سجادی و همکاران، ۱۳۹۴؛ ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱؛ چان و همکاران، ۲۰۱۳)

متغیرهای مستقل پژوهش

تخصیص مالی کمیته حسابرسی (ACEXP_{it}): برابر است با درصد اعضای دارای تخصص مالی در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱). مطابق بند شش ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، تخصص مالی اعضا مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، تعریف می‌شود (سازمان بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

استقلال کمیته حسابرسی ($ACIND_{it}$): برابر است با درصد اعضای مستقل در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴). عضو مستقل بر اساس بند یک ماده ۱ منشور کمیته حسابرسی، عضوی است فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار باشد، موجب جانب‌داری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذینفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران گردد، تعریف شده است (سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

اندازه کمیته حسابرسی ($ACSIZE_{it}$): برابر است با تعداد اعضای حاضر در کمیته حسابرسی (فخاری و همکاران، ۱۳۹۴؛ زمان و همکاران، ۲۰۱۱). کمیته حسابرسی طبق بند ۱ ماده ۵ منشور کمیته از سه تا پنج عضو با انتخاب و انتصاب هیئت‌مدیره تشکیل می‌گردد (سازمان بورس و اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۱).

متغیرهای کنترلی پژوهش

اندازه شرکت ($LNTA_{it}$): برابر است با لگاریتم طبیعی مجموع دارایی‌های شرکت (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳؛ چان و همکاران، ۲۰۱۳). آنها دریافتند که اندازه شرکت با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارد.

اهرم مالی شرکت ($LEVERAGE_{it}$): برابر است با مجموع بدهی‌ها تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت (زمان و همکاران، ۲۰۱۱). نتایج زمان و همکاران (۲۰۱۱) نشان از رابطه منفی و معنادار بین اهرم مالی شرکت با حق الزحمه حسابرسی دارد.

نسبت حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا ($RECINV_{it}$): برابر است با جمع حساب‌های دریافتنی و موجودی کالا تقسیم بر مجموع دارایی‌های شرکت (ابوت و همکاران، ۲۰۰۳). یافته‌های ابوت و همکاران (۲۰۰۳) حاکی از رابطه مثبت بین این نسبت با حق الزحمه حسابرسی بود.

نوع اظهارنظر حسابرس ($OPINION_{it}$): اگر گزارش حسابرسی حاوی اظهارنظر تعدیل شده باشد، برابر یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود (ابوت و همکاران،

۲۰۰۳؛ هو و کانگ، ۲۰۱۳). یافته‌های هو و کانگ (۲۰۱۳)، ارتباط مثبتی را بین اظهار نظر تعدیل شده حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی نشان داد.

اندازه مؤسسه حسابرسی (Size-FA_{it}): اگر سازمان حسابرسی، حسابرسی شرکت را برعهده داشته باشد، برابر یک و در غیر این صورت مقدار آن صفر خواهد بود (یگانه و آذین‌فر، ۱۳۸۹؛ واعظ و همکاران، ۱۳۹۳). یافته‌های واعظ و همکاران (۱۳۹۳) نشان از رابطه مثبت بین اندازه مؤسسه حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

استقلال هیئت‌مدیره (BDIND_{it}): برابر است با نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره (دموری و مهدی‌آبادی، ۱۳۹۴). یافته‌های چان و همکاران (۲۰۱۳) حاکی از رابطه مثبت و معناداری بین استقلال هیئت‌مدیره و حق‌الزحمه حسابرسی بود.

تعداد جلسات هیئت‌مدیره (BDMEET_{it}): برابر است با تعداد جلسات برگزار شده توسط هیئت‌مدیره در طول سال مالی. یافته‌های ابوت و همکاران (۲۰۰۳) نشان از رابطه مثبت بین تعداد جلسات هیئت‌مدیره و حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش با استفاده از روش حذف سیستماتیک نسبت به تعیین حجم نمونه بر اساس معیارهای زیر اقدام شد: ۱) دوره مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد. دلیل این شرط، خنثی کردن تأثیر چرخه‌های تجاری مؤثر بر عملکرد و وضعیت مالی شرکت‌ها است (افلاطونی، ۱۳۹۲). ۲) کمیته حسابرسی را در بازه زمانی پژوهش طبق دستورالعمل سازمان بورس اوراق بهادار تهران (۱۳۹۱) تشکیل داده باشد. ۳) در طی دوره مورد بررسی (۱۳۹۱-۱۳۹۳) تغییر سال مالی نداشته باشد. زیرا استفاده از داده‌ها با سال‌های مالی متفاوت تفسیر نتایج تحقیق را مشکل خواهد کرد. ۴) اطلاعات مالی آن قابل دسترس باشد. دلیل این موضوع کاملاً مشخص است. بدون وجود داده‌ها عملاً هیچ کاری نمی‌توان انجام داد (افلاطونی، ۱۳۹۲). ۵) جزو شرکت‌های مالی (مانند بانک‌ها، مؤسسات مالی) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری یا شرکت‌های واسطه‌گری مالی نباشد. دلیل این موضوع، ماهیت متفاوت عملیات شرکت‌های

مذکور است (افلاطونی، ۱۳۹۲). ۶) در طی دوره پژوهش، شرکت وقفه معاملاتی نداشته باشد، زیرا وقفه معاملاتی می‌تواند نتایج آزمون‌ها را دچار انحراف سازد (دموری و زارعی، ۱۳۹۳).

با توجه به این محدودیت‌ها تعداد ۱۳۳ شرکت (۳۱۱ سال_شرکت) برای انجام آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شد. ذکر این نکته ضروری است که ۸۸ مشاهده سال_شرکت به دلیل عدم افشای اطلاعات یا عدم تشکیل کمیته حسابرسی در سال ۹۱ و ۹۲ از نمونه آماری حذف شدند.

برای آماده سازی متغیرهای لازم جهت استفاده در مدل آزمون فرضیه‌ها از نرم افزار صفحه گسترده اکسل و برای برآورد آزمون فرضیه‌های پژوهش از تحلیل رگرسیون داده‌های ترکیبی در نرم افزارهای Stata12 و Eviews9 استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی

در این قسمت نتایج توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، میانه، انحراف معیار، بیشینه و کمینه ارائه می‌شود. با توجه به نگاره (۱)، می‌توان نتیجه گرفت که میانگین حق الزحمه دریافتی توسط حسابرس مستقل، تقریباً ۱۱۱۲ میلیون ریال است. در ارتباط با ویژگی‌های کمیته حسابرسی، تقریباً ۸۷ درصد از اعضای کمیته حسابرسی از دانش و تخصص مالی برخوردارند و ۶۹ درصد آنها مستقل هستند. اندازه کمیته حسابرسی نیز به طور میانگین ۳/۱۷ است. این مقدار نشان می‌دهد که اکثریت کمیته‌های حسابرسی در شرکت‌ها از ۳ عضو بهره می‌برند (تقریباً ۹۱ درصد از ۳ عضو و ۹ درصد از ۴ و ۵ عضو برخوردار بودند). همچنین، یافته‌های جدول فوق، حاکی از این است که اندازه و اهرم مالی به ترتیب ۱۴/۲۶ و ۰/۵۴ است. نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا به مجموع دارایی‌ها، ۲۸ درصد می‌باشد. تقریباً ۲۵ درصد از حسابرسی شرکت‌های نمونه را سازمان حسابرسی برعهده داشته است و ۴۸ درصد گزارش‌های حسابرسی با اظهار نظر تعدیل شده (غیرمقبول) همراه بوده است. در ارتباط با متغیرهای حاکمیت شرکتی (هیئت‌مدیره) می‌توان گفت که تقریباً ۶۶ درصد از اعضای هیئت مدیره مستقل (غیرموظف) بوده‌اند و در طی سال تقریباً ۱۵ جلسه به طور میانگین برگزار

کرده‌اند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که بیشترین جلسات هیئت مدیره‌ها در طی سال ۲۶ و کمترین ۹ بوده است.

نگاره (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میانه	انحراف معیار	بیشینه	کمینه
حق‌الزحمه حسابرسی (م ریال)	۱,۱۱۲	۸۸۱	۱,۰۶۰	۴,۳۰۰	۶۳
لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی	۲۰/۵۷	۲۰/۵۶	۰/۷۸۶	۲۲/۱۸	۱۷/۹۵
تخصیص مالی کمیته حسابرسی	۰/۸۷	۱	۰/۱۷	۱	۰/۳۳
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۶۹	۰/۶۷	۰/۱۴	۱	۰
اندازه کمیته حسابرسی	۳/۱۷	۳	۰/۵۵	۵	۳
اندازه شرکت	۱۴/۲۶	۱۳/۹۲	۱/۴۸	۱۸/۵۳	۱۰/۶۷
اهرم مالی شرکت	۰/۵۴	۰/۵۶	۰/۲۲	۱/۵۶	۰/۰۱
نسبت ح دریافتی و م کالا	۰/۲۸۳	۰/۲۵۴	۰/۱۹۵	۰/۸۵۲	۰
نوع اظهار نظر حسابرس	۰/۴۸	۰	۰/۵۰	۱	۰
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۲۵	۰	۰/۴۳	۱	۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۶۶	۰/۶	۰/۱۵	۱	۰/۲۵
تعداد جلسات هیئت مدیره	۱۵/۷۲	۱۵	۳/۶۵	۲۶	۹

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

در داده‌های ترکیبی ابتدا بایستی روش مناسب؛ مدل داده‌های تلفیقی یا داده‌های تابلویی (پانل) جهت برآورد مدل انتخاب شود. برای این منظور از آزمون F لیمیر در این پژوهش استفاده شده است. نتایج این آزمون در نگاره (۲)، درج شده است.

نگاره (۲): نتایج آزمون F لیمیر

مدل	آماره F	مقدار احتمال	نتیجه آزمون
۱-۱	۶/۴۸	۰/۰۰۰۰	استفاده از مدل داده‌های تابلویی
۱-۲	۶/۶۷	۰/۰۰۰۰	استفاده از مدل داده‌های تابلویی
۱-۳	۶/۵۰	۰/۰۰۰۰	استفاده از مدل داده‌های تابلویی

نتیجه حاصل از آزمون F لیمر برای مدل‌های مربوط به فرضیه‌های پژوهش حاکی از این است که فرضیه H_0 این آزمون رد شده و داده‌های مربوطه از روش پانل تبعیت می‌کنند. در مرحله بعد برای انتخاب بهترین الگوی برآورد، انتخاب از بین الگوهای اثرات ثابت (یا تصادفی) مقطعی (یا زمانی) از آزمون هاسمن و آزمون بروش پاگان در این پژوهش استفاده می‌شود. نتایج این آزمون‌ها در نگاره ۳ و ۴، درج شده است:

نگاره (۳): نتایج آزمون هاسمن

مدل	آماره کای دو	مقدار احتمال	نتیجه آزمون
۱-۱	۵/۵۷	۰/۶۹۵۳	الگوی اثرات تصادفی مناسب است
۱-۲	۵/۵۸	۰/۶۶۱۱	الگوی اثرات تصادفی مناسب است
۱-۳	۱۲/۱۹	۰/۱۴۲۹	الگوی اثرات تصادفی مناسب است

نگاره (۴): نتایج آزمون بروش پاگان

مدل	اثرات	آماره کای دو	احتمال	نتیجه آزمون
۱-۱	مقطع	۱۲۱/۰۹	۰/۰۰۰۰	اثرات مقطعی وجود دارد
	زمان	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰	اثرات زمانی وجود ندارد
۱-۲	مقطع	۱۲۰/۵۸	۰/۰۰۰۰	اثرات مقطعی وجود دارد
	زمان	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰	اثرات زمانی وجود ندارد
۱-۳	مقطع	۱۱۲/۷۹	۰/۰۰۰۰	اثرات مقطعی وجود دارد
	زمان	۰/۰۰۰۰	۱/۰۰۰	اثرات زمانی وجود ندارد

با توجه به نتایج نگاره (۳) و (۴)، می‌توان نتیجه گرفت که روش مناسب برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، مدل داده‌های تابلویی با اثرات مقطعی تصادفی است.

قبل از برآورد مدل‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها به بررسی ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی سریالی بین اجزای اخلاص مدل پرداخته می‌شود. برای این منظور از آزمون نسبت در ستمایی (LR) برای کشف ناهمسانی واریانس و از آزمون دورین واتسون پس از برازش مدل به منظور بررسی خودهمبستگی سریالی استفاده گردید. نتایج آزمون ناهمسانی واریانس در نگاره (۵) آمده است. با توجه به نتایج این آزمون بین اجزای اخلاص مدل در هر سه فرضیه ناهمسانی واریانس وجود دارد. در نتیجه برای رفع ناهمسانی واریانس در این پژوهش در برازش نهایی مدل از روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده می‌شود. همچنین

زمانی که حجم نمونه آماری بزرگ (یعنی بیشتر از ۳۰ مشاهده) باشد، توزیع جملات اخلال به توزیع نرمال نزدیک است (افلاطونی، ۱۳۹۲).

تک‌گاره (۵): نتایج آزمون ناهمسانی واریانس (LR)

مدل	آماره کای دو	مقدار احتمال	نتیجه آزمون
۱-۱	۳۸۴/۴۶	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد
۱-۲	۴۳۶/۴۸	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد
۱-۳	۴۹۲/۳۰	۰/۰۰۰۰	ناهمسانی واریانس وجود دارد

پس از مشخص شدن روش آزمون فرضیه‌های پژوهش، خروجی‌ها و نتایج فرضیه‌ها به شرح جداول زیر بیان می‌گردد.

تک‌گاره (۶): نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

متغیر	ضریب	آماره t	مقدار احتمال
عرض از مبدأ	۱۹/۷۳۰	۱۳۶/۳۲۵	۰/۰۰۰۰
تخصص مالی کمیته حسابرسی	۰/۱۰۷۱	۲/۲۳۴۹	۰/۰۲۶۲
اندازه شرکت	۰/۰۰۷۷	۰/۸۰۱۸	۰/۴۲۲۳
اهرم مالی شرکت	۰/۳۸۱۱	۷/۵۵۹۰	۰/۰۰۰۰
نسبت ح دریافتی و م کالا	۰/۲۶۹۰	۱۲/۶۴۳۰	۰/۰۰۰۰
نوع اظهار نظر حسابرس	-۰/۰۵۵۳	-۰/۶۲۵۹	۰/۵۳۱۸
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۷۴۹۲	۱۷/۳۸۰۷	۰/۰۰۰۰
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۴۰۹۵	-۱/۲۵۵	۰/۲۱۰۴
تعداد جلسات هیئت‌مدیره	۰/۰۳۰۰	۵/۱۲۱۸	۰/۰۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	Fآماره	Fمقدار احتمال	دوربین واتسون
۰/۱۵	۸/۰۶۵۲	۰/۰۰۰۰	۱/۹۱۹۹

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد، *** معناداری در سطح ۱۰ درصد

همانطور که در نگاره (۶)، مشخص است، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از این است که متغیرهای مستقل و کنترلی ۱۵ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی را توضیح می‌دهد. معناداری آماره F (۸/۰۶۵۲) بیانگر معناداری کلی مدل مربوط به فرضیه اول پژوهش است. مقدار آزمون دوربین واتسون (۱/۹۱۹۹) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و نشان‌دهنده این است

که خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد. در ادامه و با توجه به آماره t در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها، می‌توان نتیجه گرفت که، متغیر تخصص کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین، در این مدل متغیر اهرم مالی شرکت، نسبت حساب‌های دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارند و بین متغیرهای اندازه شرکت، اظهار نظر حسابرس و استقلال هیئت مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نمی‌گردد.

تگاره (۷): نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

متغیر	ضریب	t آماره	مقدار احتمال
عرض از مبدأ	۱۸/۴۴۳	۵۹/۷۱۷	*./۰.۰۰۰
استقلال کمیته حسابرسی	۰/۱۶۰۷	۱/۶۶۵۳	***./۰.۹۶۹
اندازه شرکت	۰/۰۰۹۰	۰/۹۸۹۵	۰/۳۲۳۲
اهرم مالی شرکت	۰/۳۶۴۸	۵/۸۵۵۶	*./۰.۰۰۰
نسبت ح دریافتی و م کالا	۰/۲۵۶۰	۱۰/۳۱۴	*./۰.۰۰۰
نوع اظهار نظر حسابرس	-۰/۰۴۱۲	-۰/۴۸۰۳	۰/۶۳۱۳
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۶۰۹۰	۱۴/۳۶۵۰	*./۰.۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	-۰/۳۸۸۰	-۱/۳۱۴۶	۰/۱۸۹۶
تعداد جلسات هیئت مدیره	۰/۴۴۷۳	۵/۲۰۷۷	*./۰.۰۰۰
ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	مقدار احتمال F	دوربین واتسون
۰/۱۳۶۰	۷/۱۰۰۶	۰/۰۰۰	۱/۹۶۳۸

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد، *** معناداری در سطح ۱۰ درصد

همانطور که در نگاره (۷)، مشخص است، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از این است که متغیرهای مستقل و کنترلی ۱۳/۶۰ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی را توضیح می‌دهد. معناداری آماره F (۷/۱۰۰۶) بیانگر معناداری کلی مدل مربوط به فرضیه دوم پژوهش است. مقدار آزمون دوربین واتسون (۱/۹۶۳۸) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و نشان‌دهنده این است که خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد. در ادامه و با توجه به آماره t در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که،

متغیر استقلال کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط مثبت و معناداری دارد. بنابراین فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۰ درصد پذیرفته می‌شود. همچنین، در این مدل نیز همانند مدل فرضیه اول پژوهش، متغیر اهرم مالی شرکت، نسبت حساب دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت‌مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارند و بین متغیرهای اندازه شرکت، اظهار نظر حسابرس و استقلال هیئت‌مدیره با حق الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نشد.

نگاره (۸): نتایج آزمون فرضیه سوم پژوهش

متغیر	ضریب	t آماره	مقدار احتمال
عرض از مبدأ	۱۹/۷۴۱۸	۴۸/۷۶۸	۰/۰۰۰۰*
اندازه کمیته حسابرسی	۰/۰۲۰۷	۰/۲۳۵۱	۰/۸۱۴۳
اندازه شرکت	۰/۰۰۸۱	۰/۸۲۶۷	۰/۴۰۹۰
اهرم مالی شرکت	۰/۳۸۴۵	۸/۷۴۸۴	۰/۰۰۰۰*
نسبت ح دریافتی و م کالا	۰/۲۷۴۴	۱۷/۹۵۶۹	۰/۰۰۰۰*
نوع اظهار نظر حسابرس	-۰/۰۵۵۲	-۰/۵۹۲۹	۰/۵۵۳۷
اندازه مؤسسه حسابرسی	۰/۷۵۲۳	۱۵/۲۰۷۸	۰/۰۰۰۰*
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۴۱۶۴	-۱/۲۶۴۷	۰/۲۰۶۹
تعداد جلسات هیئت‌مدیره	۰/۰۳۰۸	۴/۸۵۹۷	۰/۰۰۰۰*
ضریب تعیین تعدیل شده ۰/۱۵۴۲	F آماره	F مقدار احتمال	دوربین واتسون
	۸/۰۶۴۸	۰/۰۰۰۰	۱/۹۶۳۶

* معناداری در سطح ۱ درصد، ** معناداری در سطح ۵ درصد، *** معناداری در سطح ۱۰ درصد

همانطور که در نگاره (۸)، مشخص است، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده حاکی از این است که متغیرهای مستقل و کنترلی کمیته حسابرسی ۱۵/۴۲ درصد از تغییرات حق الزحمه حسابرسی را توضیح می‌دهد. معناداری آماره F (۸/۰۶۸۴) بیانگر معناداری کلی مدل مربوط به فرضیه سوم پژوهش است. مقدار آزمون دوربین واتسون (۱/۹۶۳۶) بین ۱/۵ و ۲/۵ قرار دارد و نشان‌دهنده این است که خودهمبستگی سریالی بین جملات خطا وجود ندارد. در ادامه و با توجه به آماره t در سطح معناداری ضرایب و علامت ضرایب رگرسیون هر یک از متغیرها می‌توان نتیجه گرفت که، متغیر اندازه کمیته حسابرسی با حق الزحمه حسابرسی ارتباط معناداری ندارد. بنابراین فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود. همچنین، در این مدل نیز همانند مدل

فرضیه‌های قبل، متغیر اهرم مالی شرکت، نسبت حساب دریافتی و موجودی کالا، اندازه مؤسسه حسابرسی و تعداد جلسات هیئت‌مدیره با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری دارند و بین متغیرهای اندازه شرکت، اظهارنظر حسابرس و استقلال هیئت‌مدیره با حق‌الزحمه حسابرسی رابطه معناداری مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری

بحث و موضوع اصلی در این پژوهش بررسی ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی با حق‌الزحمه حسابرسی بود که در ادامه مطالعات پژوهشگرانی از قبیل؛ پائول و گرگوری (۱۹۹۶)، ابوت و همکاران (۲۰۰۳)، استوارت و کنت، (۲۰۰۶)؛ کریشان و ویسواناتان (۲۰۰۹)؛ زمان و همکاران (۲۰۱۱) و چان و همکاران (۲۰۱۳) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به آن پرداخته شد. از نظر تئوریک ارتباط بین ویژگی‌های کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی در تحقیقات مختلف بدین‌گونه بیان شده است که ویژگی‌های کمیته حسابرسی می‌تواند بر حق‌الزحمه حسابرسی اثرگذار باشد. بحثی که در این مورد مطرح می‌شود، این است که آیا کمیته‌های حسابرسی در شرکت‌های ایرانی و با ویژگی‌های مورد مطالعه (تخصص مالی، استقلال و اندازه) بر حق‌الزحمه حسابرسی در این شرکت‌ها اثرگذار است یا خیر؟ پاسخ به این سوال خود منعکس‌کننده هدف اصلی این مطالعه می‌باشد. جهت آزمون فرضیه‌های پژوهش در بورس اوراق بهادار تهران (جامعه آماری) طی سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳، نمونه‌ای به صورت حذف سیستماتیک انتخاب گردید که متشکل از ۱۳۳ شرکت بود.

نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش وجود رابطه مثبت و معنادار بین تخصص مالی کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی را نشان داد، که حاکی از پذیرش فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه، مشابه با نتایج پژوهش ابوت و همکاران (۲۰۰۳) و مخالف با نتایج پژوهش کریشان و ویسواناتان (۲۰۰۹) و زمان و همکاران (۲۰۱۱) است.

در فرضیه دوم پژوهش به آزمون وجود رابطه بین استقلال کمیته حسابرسی و حق‌الزحمه حسابرسی پرداخته شده است. نتیجه آزمون رابطه مثبت و معناداری را نشان داد، که حاکی از

پذیرش فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه مشابه با نتایج ابوت و همکاران (۲۰۰۳) و زمان و همکاران (۲۰۱۱) و مخالف با نتایج چان و همکاران (۲۰۱۳) است.

در ادامه نتایج آزمون فرضیه سوم حاکی از عدم وجود رابطه معنادار بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی بود، که نشان از رد فرضیه فوق است. نتیجه این فرضیه، مشابه با نتایج پژوهش چان و همکاران (۲۰۱۳) و مخالف با نتایج زمان و همکاران (۲۰۱۱) که ارتباط مثبت و معناداری را بین اندازه کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی مشاهده کردند، است. قابل ذکر است که در پژوهش ابوت و همکاران (۲۰۰۳) ویژگی اندازه کمیته حسابرسی بررسی نشده است.

به طور کلی نتایج پژوهش حاضر حاکی از این است که وجود کمیته حسابرسی در شرکت می‌تواند با افزایش حق الزحمه حسابرسی ارتباط داشته باشد که این موضوع در پژوهش‌های پائول و گرگوری (۱۹۹۶) و استوارت و کنت (۲۰۰۶)، نیز اثبات شده است. دلیل این امر با توجه به ادبیات پژوهش می‌تواند درخواست کیفیت حسابرسی بالاتر توسط اعضای کمیته حسابرسی و افزایش دامنه حسابرسی و در نهایت حق الزحمه حسابرسی باشد.

پیشنهادات کاربردی

یافته‌های این پژوهش می‌تواند در درک تأثیرات قوانین حاکمیت شرکتی و لزوم اجرایی شدن این قوانین مفید باشد، و باعث تسهیل فرایند تصمیم‌گیری در بازار سرمایه گردد. اکثریت پژوهش‌های انجام شده در زمینه حسابرسی و همچنین نظارت‌کنندگان بر این امر از قبیل هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های سهامی عام (۲۰۱۵)، افزایش حق الزحمه حسابرسی را با افزایش کیفیت حسابرسی مرتبط می‌دانند. بنابراین، با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که کیفیت کمیته حسابرسی در نهایت به بالا بردن کیفیت حسابرسی ختم شود. لذا پیشنهاد می‌گردد تا هیئت‌مدیره شرکت‌ها در مرحله اول اقدام به تشکیل این کمیته و در مرحله بعدی از افراد با سابقه و دارای دانش و تجربه در زمینه حسابداری و حسابرسی و مستقل در این کمیته استفاده کنند. تا علاوه بر بالا بردن کیفیت کمیته حسابرسی، از این طریق به حسابرس مستقل برای انجام حسابرسی با کیفیت‌تر کمک کنند.

پیشنهاد برای تحقیق‌های آینده

با توجه به نوظهور بودن و جدید بودن وجود کمیته حسابرسی در ایران، پژوهش‌های اندکی در این زمینه انجام شده است، لذا پیشنهاد می‌گردد که پژوهش در زمینه تاثیر ویژگی‌های کمیته حسابرسی و ارتباط آن با موضوعات مالی و حسابرسی دیگر انجام پذیرد. همچنین پیشنهاد می‌گردد در سال‌های آینده و با افزایش تعداد سال‌های حضور کمیته حسابرسی، در پژوهشی با مشاهدات بیشتر، رابطه بین کمیته حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران مورد بررسی قرار گیرد.

محدودیت‌های تحقیق

از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به عدم افشای تعداد جلسات کمیته حسابرسی در محدوده زمانی انجام پژوهش اشاره نمود. همچنین با توجه به این که از سال ۱۳۹۱ شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران ملزم به انتشار اطلاعات مربوط به کمیته حسابرسی در سایت کدال شده‌اند، اما در محدوده زمانی پژوهش برخی از شرکت‌ها این اطلاعات را اعلام نکرده‌اند و به همین دلیل در این پژوهش برای انتخاب نمونه آماری، تعدادی از شرکت‌ها و مشاهدات سال شرکت به دلیل در دسترس نبودن اطلاعات حذف شد. همچنین، با توجه به اینکه تعداد سال‌های تحقیق برای بکارگیری داده‌های تابلویی اندک می‌باشد لذا باید تجزیه و تحلیل نتایج با احتیاط صورت پذیرد.

منابع

- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۲). تجزیه و تحلیل آماری با Eviews در تحقیقات حسابداری و مدیریت مالی، تهران: انتشارات ترمه.
- دموری، داریوش و زارعی، محبوبه. (۱۳۹۳). تحلیل تأثیر توقف نماد معاملاتی بر کیفیت بورس اوراق بهادار تهران. مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۲ (۳)، صص ۶۲-۴۹.
- دموری، داریوش و مهدی‌آبادی، نرگس. (۱۳۹۴). تجزیه و تحلیل رابطه بین حاکمیت شرکتی، هموارسازی سود و کیفیت گزارشگری مالی. راهبرد مدیریت مالی، ۳ (۱۱)، صص ۴۹-۲۷.
- رحیمیان، نظام‌الدین، توکل‌نیا، اسماعیل. (۱۳۹۰). تأثیر کمیته حسابرسی بر فعالیت‌های حسابرسی داخلی. حسابداری رسمی، (۲۸)، صص ۶۸-۷۵.

- سازمان بورس و اوراق بهادار. (۱۳۹۱). دستورالعمل کنترل‌های داخلی ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، تهران.
- سازمان حسابرسی. (۱۳۷۲). اصول حسابرسی. تهران: مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی، جلد (۱)، ص ۱۶۲.
- سجادی، حسین؛ رشیدی باغی، محسن؛ ابوبکری، عبدالرحمان و شیرعلیزاده، محسن. (۱۳۹۴). رابطه بین حق‌الزحمه حسابرسی و پاداش هیئت‌مدیره. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵ (۱۷)، صص ۵۸-۳۹.
- سلیمانی، غلامرضا و مقدسی، مینا. (۱۳۹۳). نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت شرکتی). پژوهش حسابداری، ۳ (۴)، صص ۷۷-۶۳.
- فخاری، حسین؛ محمدی، جواد و نتاج‌کردی، محمد حسن. (۱۳۹۴). بررسی اثر ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت سود. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۲ (۴۶)، صص ۱۴۶-۱۲۳.
- واعظ، سیدعلی؛ احمدی، محمدرمضان و رشیدی باغی، محسن. (۱۳۹۳). تأثیر کیفیت حسابرسی بر حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌ها. دانش حسابداری مالی، ۱ (۱۰)، صص ۱۱۰-۸۷.
- یگانه، حساس و آذینفر، کاوه (۱۳۸۹). رابطه بین کیفیت حسابرسی و اندازه مؤسسه حسابرسی. بررسی های حسابداری و حسابرسی، ۱۷ (۶۱)، صص ۹۸-۸۵.

- Abbott, L. , Parker, S. , Peters, G. , & Raghunandan, K. (2003). The association between audit committee characteristics and audit fees. , 22 (2) , pp. 17-31.
- Abbott, L. J. , and S. Parker. (2001). Audit committee characteristics and auditor selection: Evidence from auditor switches. (15) , pp. 151-167.
- Abbott, L. J. , Parker, S. & Peters, G. (2004). Audit committee characteristics and restatements , Vol (23) , No. 1, pp. 69-88.
- Baysinger, B. , and H. Butler.) 1985 (. Corporate governance and the board of directors: Performance effects of changes in board composition. 1 (January): pp. 101-124.
- Beasley, M. (1996). An Empirical Analysis of the Relation Between the Board of Director Composition and Financial Statement Fraud. , Vol (71) , No. 4, pp. 443-65.
- Beasley, M. S. , J. V. Carcello, D. R. Hermanson, and P. D. Lapedes.) 2000 (. Fraudulent financial reporting: Consideration of industry traits and corporate governance mechanisms. (December): pp. 14-21.

- Bédard, J. , Gendron, Y. , (2009). Strengthening the financial reporting system: Can audit committees deliver?, Université Laval, Québec City, Canada available on-line .
- Bronson, S. N. , Carcello, J. V. , Hollingsworth, C. W. and Neal, T. L. (2009). Are fully independent audit committees really necessary?. *Journal of Accounting and Public Policy*, Vol. 28, pp. 265-28
- Cadbury Committee, 1992, (Gee, London).
- Carcello, J. , and T. Neal. (2000). Audit committee composition and auditor reporting. (October): pp. 453–467.
- Carcello, J. , Hermanson, D. , Neal, T. , & Riley, A. (2002). Board characteristics and audit fees. , (19) , pp. 365–384.
- Chan, Y.M. , Liu, G. , Sun, J., (2013). Independent audit committee members' board tenure and audit fees. 53, pp. 1129–1147.
- Collier, P. , and A. Gregory, (1996). Audit committee effectiveness and the audit fee, , pp. 177–198.
- Dalton, D. R. , Daily, C. M. , Johnson, J. L. and Ellstrand, A. E. (1999). Number of directors and financial performance: A meta-analysis. , (42) , pp. 674-86.
- DeFond, M. , R. H. Hann and X. Hu (2005). Does the Market Value Financial Expertise on Audit Committees of Boards of Directors. , Vol (43) , No. 2 (May) , pp. 153–93.
- Dey, A. (2008). Corporate Governance and Agency Conflicts. , 46 (5) , pp. 1143–1181.
- DeZoort, F. T. (1997). An investigation of audit committees. (September): pp. 208–227.
- Dhaliwal, D. , Naiker, V. & Navissi, F. (2010). The association between accruals quality and the characteristics of accounting experts and mix of expertise on audit committees', , Vol (27) , No. 3, pp. 787–827.
- Fama, E. , & Jensen, M. (1983). Separation of ownership and control. , 26, pp. 301–325.
- Gilson, S. (1990). Bankruptcy, boards, banks, and bondholders: Evidence on changes in corporate ownership and control when firms default. , 27, pp. 355–388.
- Gul, F. , & Goodwin, J. (2010). Short-term debt maturity structures, credit ratings, and the pricing of audit services. , (85) , pp. 877-909.

- Ho, J. L. , & Kang, F. (2013). Auditor choice and audit fees in family firms: evidence from the S&P 1500. *Journal of Accounting and Finance*, 32 (4) , 71-93.
- Kalbers, L. P. and T. Fogarty (1993). Audit Committee Effectiveness; An Empirical Investigation of the Contribution of Power. *Auditing: A Research Journal*, Vol (12) (spring) , pp. 24–49.
- Khondkar, K, Ashok, R, and SangHyun, S. (2015). Board Structure and Audit Committee Monitoring: Effects of Audit Committee Monitoring Incentives and Board Entrenchment on Audit Fees. *Journal of Business Ethics*, pp. 1–28.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management, *Journal of Accounting and Finance*, 33, 375–400.
- Krishnan, G. ,and G. Visvanathan, (2009). Do auditors price audit committee's expertise? The case of accounting versus non-accounting financial experts, *Journal of Accounting and Finance*, 24, 115–144.
- Krishnan, J. (2005). Audit Committee Quality and Internal Control: An Empirical Analysis. *Journal of Accounting and Finance*, Vol (80) , No. 2, pp. 49–75.
- Larcker, D. , & Richardson, S. (2004). Fees paid to audit firms, accrual choices and corporate governance. *Journal of Accounting and Finance*, (42) , pp. 625–658.
- Lin, J. W. and Hwang, M. I. (2010). Audit quality, corporate governance, and earnings management: a meta-analysis *Journal of Accounting and Finance*, Vol (14) , No. 1, pp. 57–77.
- Livingston, P. (2005). The job of audit committee: Getting directors on the same page *Journal of Accounting and Finance*, March, pp. 24–25.
- Martinov, N. B, Dominic S. B. and Soh, D. T. (2015) ,"An investigation into the roles, characteristics, expectations and evaluation practices of audit committees", *Journal of Business Ethics* (30) Iss 8/9, pp. 727 – 755 .
- Oktorina, M. , & Wedari, L. K. (2015). An empirical investigation on ownership characteristics, activities of the audit committee, and audit fees in companies listed on indonesia stock exchange. *Journal of Accounting and Finance*, 1 (1) , pp. 20– 29.
- Paul, C. , and Gregory, A. (1996). Audit committee effectiveness and the audit fee. *Journal of Accounting and Finance*, 5: 2, pp. 177– 198.
- Peasnell, P. , P. Pope and S. Young (2005) , ‘Board Monitoring and Earnings Management: Do Outside Directors Influence Abnormal Accruals?’, *Journal of Accounting and Finance*, Vol (32) , No. 7.

- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB) , Concept Release on Audit Quality Indicators, PCAOB Release No. 005-2015, July 2015.
- Stewart, J. G. and P. Kent (2006). Relation between External Audit Fees, Audit Committee Characteristics and Internal Audit', , Vol (46) , pp. 387–404.
- Turley, S. and M. Zaman (2004) , 'The Corporate Governance Effects of Audit Committees' , Vol (8) , pp. 305–32.
- Vershoor, Curtis C. (2008). Audit Committee Essentials, Published by John Wiley & Sons .
- Windram, B. and song, J. (2004). Non-executive directors and the changing nature of the audit committees: Evidence from UK audit Committee Chairman. , pp. 108–115.
- Yang, J. S. , & Krishnan, J. (2005). Audit committees and quarterly earnings management. , 9, pp. 201–219.
- Zaman, M, Mohammed, H, and Roszaini, H. (2011). Corporate Governance Quality, Audit Fees and Non-Audit Services Fees. , 38 (1) & (2) , pp. 165–197.